

عنوان

وزارت معارف

ریاست تعلیم و تربیه

مقالات و ازده اعاده نمیشود  
اصلاح و درج حق اداره است

# آئینه عرفان

مجله علمی، ادبی، مسور، ماهانه

دوره دوم سال ششم

شرح اشتراك

مرکز (۹) افغانی | مدرسین دائمی |  
داخله (۱۰) \* | متعلمین | اصف  
خارج (۴) ناچار | معلمین

واحد فروشی و اشتراك شش ماهه ندارد

(نمره مسائل ۸۴)

۱

فوس - ۱۳۱۵

## اطفال تنبل

ابراهیم شایق

ترجمه و اقتباس

- ۲ -

بینه روحشناس ؛ در کتاب خود که «آخرین فکر هاراجع» باطفال نام دارد و فصل  
 اخیر آنرا بمسائل تنبلی حصر نموده چنین گوید: «انسانی و مطالعات فریبگی  
 » همینکه يك شاگرد باندازه رفقای خود کوشش نکند در صورتیکه درس های  
 خود را این شاگرد بخوبی ضبط کرده میتواند ، بسا شده که چنین تخمین  
 نیاورد چون در اراده این شاگرد نقصان موجود میباشد ؛ ازین سبب کوشش نکرده  
 است. من این قسم ایضاح بسیط و رویکی رانه تنها از معلمین متوسط شنیدم . بلکه از  
 معلمین خیلی لایق هم میشنوم . چنانچه بایکی از معلمین کالج فرانس راجع بشرف  
 ذهنی شاگردان و فائده های تدقیق ذهنی را ایضاح می نمودم ؛ با يك زبان و حکم

قطعی گفتن میخواست : در عالم تدریس دو قسم طلبه موجود است : یکی تنبلی ، دیگر کوشان . ممکن این مسئله نسبت بقدر سابق نیز بسیط تر باشد نقصان اراده نتیجه است بهر حال این نکته را باید تدقیق نمود که طلبه از چه سبب کوشش کرده نمیتواند ؟ معلوم میشود که ایضاحات و مطالعات منبیه کننده میرفت . چونکه معلم موسوف هنوز بفکر خود مصر بود و تنبلی و کوشش طلبه را طبیعی تلقی میکرد .

آری این فکر فعلا تا یکدرجه قابل اعتبار بود . چونکه مطابق روحیات قدیم و عنعنوی شمرده میشود . نظر بمسئله روحیه ؛ ما دو قسم موجودیت داریم : یکی موجودیت انفعالی ما که عبارت از ذکاوت و حساسیت است . دیگر موجودیت فعلی ما که عبارت از اراده میباشد . نظر بعقیده ایشان افعال و حرکات را تنها اراده بوجود آرند و بس . در تجلیات اراده حس ها و فکر ها که قسم دیگر موجودیت ما شمرده میشود هیچ تاثیری نداشته چونکه این قوت ( اراده ) آزادست علاوه بر این قوت قدرتی را تمثیل کند که در هر شخص بیک اندازه بخشیده نشده است .

هرگاه يك شخص از این قوت و دارائی استفاده کرده تواند ؛ مسئول شمرده می شود بنابراین قصور را بچنین شخص نسبت باید داد ، اما این مطالعه و فکر ها که بامور ما فوق الطبیعه دخل دارد و تقریباً فراموش شده است ما باین عقیده نیستیم که اراده قوتیست که هر چیز را بدون شرط و قید درید اختیار خود داشته میتواند . بالعکس ماچنین عقیده داریم که همه افعال و افکار ما در تحت تاثیرات بساز ایجابات عضوی و روحی طرز تحسس و احوال غیر شعوری وراثت و غیره میباشد .

حرکات مولود هر گونه سببهای شعور خفی و آشکار میباشد اگر بخواهیم احوال روحی يك مكنتی را بشناسیم تنبلی او را تصحیح نهائیم و برای او اعتیاد سعی به بخشیم قصور آنرا تنها بدوش اراده نباید گذاشت .

دائرة تحلیل خود را پهن بسازیم و احوال روحی را مشاهده نموده عمیقتر شده تدقیق بنهائیم و حال تنبلی آنرا بکشف و ایضاح موفق بشویم .

بینه گوید که اساس تنبلی و شاگرد یکصنف از روی بی دقتی تفریق کرده میشود اما این بی دقتی درد و شکل مشاهده میگردد: یاد در میان هر کار پریشان میباشد . یاد در میان سکون عمیق مستغرق، علاوه برین حال بعضی اوقات بکقسم بی اطاعتی امتزاج یافته است .

اگر در اطاق درس مثلا وظیفه‌های تحریری زیر نظر گرفته بالمقابل برای تعیین تنبلی یکنوع محک قبول نموده شود حکم به تنبلی کردن آسان نیست . چونکه روی سبیه شاگرد تجربه نمودن مشکل است .  
در تشخیص سبیه طفل یگانه راه آسان و درست اینست که طفل را در محیط متعدد آن بدون اینکه خبر دار شود تدقیق باید کرد .

علامت آشکار تنبلی طفل و ادار کردن آنست با اشاره و ارائه حرفی که روی کدام صفحه موجود است . آنوقت بی دقتی طفل را میتوان درین عمل استخراج نمود . بینه نیز درین تجربه موفقیت خود را چنین اثبات کرده :-

طفل بيك سعی ذهنی مكلف و وادار کرده میشود که تنها بعمل دقت تعلق داشته

مقدار آن نیز قابل حساب و مساحه باشد مثلاً گفته می شود که روی يك صفحه حروف ب، ج، د و غیره را تعیین بنهید و چند طفل را از همین صنف جدا کرده پیش يك میز می نشانیم و کاری را که انجام آن در ظرف ۵ دقیقه بعمل بیاید قید نموده شاگردان را بحال خود گویا مانیز در آنجا بوده باشیم گذاره خود بیرون شویم؛ طفلی که در طبیعت بی دقت افتاده فوراً از نبودن ما استفاده کرده بار فقای خود بنای اختلاط، شوخی و ساعت تیری می نماید. بعد از ۵ دقیقه داخل اطاق شده در تفحص کارایشان مشغول شویم؛ آنوقت مساعی اطفال را سنجیده میتوانیم که در زیر نظارت آمده اند یا نه؟ اگر محصول سعی کمتر از زمان نظارت باشد بی دقتی و تنبلی هر کدام از این اطفال طبیعی است که خود بخود ظاهر می شود.

در اینجا سوالیست که تنبلان تقریباً فیصد چند از اطفال را تشکیل میکنند؟ اگر درین باب يك انکته (ورقه سوال) ساخته شود، معلمین بیشتر شاگردان را به تنبلی اتهام خواهند نمود.

### رسال جامع علوم انسانی

در حقیقت اگر مراد از تنبلی بصورت ناکامی باشد؛ اطفال ماننا که بشرائط اصولی و تربیتی مطابق نبوده هیچ اعتنای محیطی و صحیحی نمی بینند؛ تعداد ناکامان اکثریت عظمی را تشکیل خواهد نمود. اما از روی معنای خصوصی قطعی تنبلی که عبارت از سستی سنجیه و بی حسی میباشد؛ تعداد تنبلان خیلی تنزل خواهد کرد. بینه در مکتب ابتدائی پاریس يك چنین انکته ترتیب داده اطفالی را که از رهگذر صحت و با از سببهای موقتی ناکام مانده اند مستثنی نموده گوید که

در نتیجه تعداد تنبلان را فیصد دویافتیم؟

در انکته بیان حال اطفال و سبب‌های احوال تنبلی، بسا چیزهای شایان مشاهده و تحلیلها موجود است.

بعضی گویند: - سعی و کوشش خاصاً برای اطفال هیچوقت دلچسپ نیست. با خصوص حل سوالها و ضبط قوا عد صرف و نحو برای اطفال هیچگاه تفریح بخش نمیشد. بنا بر این قسم درسها محتاج بجهد بوده بعضی اطفال از این جهد محروم می‌باشند این اطفال تنبل وقتی که اگر حس کنند که در زیر نظارت می‌باشند آنوقت بصورت میخانیکی چنین وانمود کنند که چشمشان میخواند و با بدقت گوش میکنند. مگر فکرشان با لای چیزهای دیگر مشغول است. پس برای صرف جهد از کجا طاقت حاصل بنمایند؟

بعضی از ایشان سببهای ثانوی دیگر نیز علاوه بکنند: بعضی از شاگردان زمان درازی بمکتب دوام کرده نتوانسته اند؛ اعتیاد کوشش را از دست داده خواهند بود. شاگرد دیگر همین اعتیاد سعی را هیچوقت حاصل کرده نتوانسته. چونکه بیشتر اوقات از عائله خود بمعاونت های بیجا آموخته شده. بعضی از عائله‌ها در وظیفه های مکتبی و کتابچه های سوالات اکثریه معاونت های خود را مفید تلقی کنند.

بعضی از اطفال بمعاونت رفقای خود آموخته شده از پهلوی دیگران زندگی نمایند و از رفقای خود نقل بردارند و از وظیفه سعی خود را معاف پندارند. آری این قبیل اسباب سنت روحی اطفال را اگر چه ایضاً کندولی

مقدار آن نیز قابل حساب و مساحه باشد مثلاً گفته می شود که روی يك صفحه حروف ب 'ج' دو غیره را تعیین بنهاید و چند طفل را از همین صنف جدا کرده پیش يك میز می نشانیم و کاری را که انجام آن در ظرف ۵ دقیقه بعمل بیاید قید نموده شاگردان را بحال خود گویا مانیز در آنجا بوده باشیم گذاره خود بیرون شویم؛ طفلی که در طبیعت بی دقت افتاده فوراً از نبودن ما استفاده کرده بار فقای خود بنای اختلاط 'شوخی و ساعت تیری می نماید. بعد از ۵ دقیقه داخل اطاق شده در تفحص کارایشان مشغول شویم؛ آنوقت مساعی اطفال را سنجیده میتوانیم که در زیر نظارت آمده اند یا نه؟ اگر محصول سعی کمتر از زمان نظارت باشد بی دقتی و تنبلی هر کدام از این اطفال طبیعی است که خود بخود ظاهر می شود.

در اینجا سوالیست که تنبلان تقریباً فیصد چند از اطفال را تشکیل میکنند؟ اگر درین باب يك انگهت (ورقه سوال) ساخته شود، معلوم میشود بیشتر شاگردان را به تنبلی اتهام خواهند نمود.

در حقیقت اگر مراد از تنبلی بصورت ناکامی باشد؛ اطفال ما تا که بشرائط اصولی و تربیوی مطابق نبوده هیچ اعتنای محیطی و صحیحی نمی بینند؛ تعداد ناکامان اکثریت عظمی را تشکیل خواهد نمود. اما از روی معنای خصوصی قطعی تنبلی که عبارت از سستی سنجیه و بی حسی میباشد؛ تعداد تنبلان خیلی تنزل خواهد کرد.

بینه در مکتب ابتدائی پاریس يك چنین انگهت ترتیب داده اطفالی را که از رهگذر سحت و یا از سببهای موقتی ناکام مانده اند مستثنی نموده گوید که

در نتیجه تعداد تنبلان را فیصد دویافتیم؟

در آنکته بیان حال اطفال و سبب‌های احوال تنبلی، بسا چیزهای شایان مشاهده و تحلیلها موجود است.

بعضی گویند: - سعی و کوشش خاصاً برای اطفال هیچوقت دلچسپ نیست. با خصوص حل سواالها و ضبط قوا عد صرف و نحو برای اطفال هیچگاه تفریح بخش نمیشد. بنا بر این قسم درسها محتاج بجهد بوده بعضی اطفال از این جهد محروم می‌باشند این اطفال تنبل وقتی که اگر حس کنند که در زیر نظارت می‌باشند آنوقت بصورت میخانیکی چنین وانمود کنند که چشمشان میخواند و یا بدقت گوش میکنند. مگر فکرشان با لای چیزهای دیگر مشغول است. پس برای صرف جهد از کجا طاقت حاصل بنمایند؟

بعضی از ایشان سببهای ثانوی دیگر نیز علاوه بکنند: بعضی از شاگردان زمان درازی بمکتب دوام کرده نتوانسته‌اند؛ اعتیاد کوشش را از دست داده خواهند بود. شاگرد دیگر همین اعتیاد سعی را هیچوقت حاصل کرده نتوانسته. چونکه بیشتر اوقات از عائله خود بمعاونت‌های بیجا آموخته شده. بعضی از عائله‌ها در وظیفه‌های مکتبی و کتابچه‌های سوالات اکثریه معاونت‌های خود را مفید تلقی کنند.

بعضی از اطفال بمعاونت رفقای خود آموخته شده از پهلوی دیگران زندگی نمایند و از رفقای خود نقل بردارند و از وظیفه سعی خود را معاف پندارند. آری این قبیل اسباب سنت روحی اطفال را اگر چه ایضاً کندولی

عوامل حقیقی تنبلی را افاده کرده تواند. چونکه بسیار شاگرد اند که با وجود چنین معاونت ها و تلقی ها غیرت و سعی خود را محافظه میکنند.

بعضی از معلمین در بعضی از تنبلی برهم خوردن شوق و دلشکستگی را سبب نشان دهند. چنانچه بعضی از شاگردان با وجود کوشش زیاد در امتحان نمره کمی گرفته نسبت بر فقای خود پس مانده رفته رفته از تحصیل دلگیری شوند. خاصاً شاگردیکه از ابوین خود مراعات و التفاتی در باب تحصیل و کامیابی نه بیند بزودی دلسردی حاصل می کند. اطفال اکثر اوقات همین که از مکتب بخانه پس گشتند مائل اند که وقائع مکتب را قصه کنند و ازین رهگذر در میان نشاط باشند. حال آنکه بعضی عائله ها نسبت باین حس و هیجان طفل لا قیدی مانند. بعضی عائله ها با وضعیت معتاد و حرکت خود درس تنبلی میدهند حتی بعضی از ایشان با مکتب و معلم استهزا میکنند. آنوقت طفل این خانواده نسبت بمعلم و مکتب يك قسم استخفاف و بی مبالاتی کسب میکند پس در مقابل این حال های بیشتر از مجادله به تنبلی بایستی بر علیه چنین فکر های <sup>معاذ الله</sup> بیوی مجادله نمود.

در میان اسبابیکه معلمین ذکر میکنند؛ لاقیدی با سبب تشویقی مکتب و بی حسی رامهم باید شمرد که برای مکتبی ازین چیزها محرومیت برآستی که خیلی سنگین است. بینه برای تقسیم عمومی دو نمونه مهم تنبلی را ارائه و تکلیف میکند :-

۱ - «تنبلی تصادفی» این قسم تنبلی محصول عذر بعضی وقائع و عارضه دیده میشود. از قبیل اینکه يك شاگرد در امتحان نمره خرابی گرفته ناگام می ماند یا اینکه بتاثیر يك رفیق بد رفتار بانکسار جهد و خیال میافتد امید میرفت که فعالیت خارجی



در چنین اطفال طبیعتاً دوام خواهد نمود. لیکن بنا بر بعضی سبب ها خذل دار شده صورت منفی بخود گرفته است .

۲- « تنبلی تولدی » در بنصورت شاگرد ، سست ، اهمال کار و غیر فعال میباشد علاوه برین طبیعت از ذوقیکه در کوشش باید همراه باشد و یا از هدفی که در تعقیب در سهالازم شمرده میشود ، محروم میباشد خلاصه دارای اراده نیست که حاکمیت بر نفس و جهد شخصی را فراهم کند .

گمان میکنم از ابتدای مقاله اول تا اینجا کم و بیش اوصاف عمومی تنبلی و اسباب آن ایضاح کرده شد . اگر چه رفع اسباب تنبلی در حقیقت چاره مفید تنبلی شمرده میشود اما اگر بصورت عمومی در دفع تنبلی اطفال وسائل آنرا مطالعه بکنیم بی فائده نخواهد شد .

دو قوتور موریس دو فلوری در کتاب « وجود و روح طفل » خود سه فصل را به تحقیق مسئله تنبلی حصر نموده در چاره تنبلی چهار ماده را بصورت خلاصه نشان داده :

۱- غذاها را بر طبق اصول حفظ الصحه ترتیب نمودن یعنی از غذاهاییکه سبب بدهضمی معده گردیده در نتیجه فعالیت دماغی را کم و یا تحریک میکنند حذر نمودن . طبیعی است که در عوض آن طعام های مغذی و زود هضم باید داد .

۲- ساعات روز را بصورت بسیار خوب تقسیم و تنظیم باید کرد یعنی ساعت کار ، ساعت تفریح و ساعت استراحت را بخوبی معین کرده حرف به حرف در مقام خود استعمال نموده اعتیاد حاصل باید کرد .

۳- در تمرینات و حرکات بدنی افراط ننمودن . در اینجا این غلط مشهور را باید تصحیح نمود که چنین است : فعالیت بدنی ، تعب ذهنی و ماندگی روحی

را تلافی و معاوضه می نماید. ازین رو باید حرکات بدنی برای اطفال بقدر لزوم فن تطبیق کرده از افراط کناره جسته شود.

اطفال شوخی که از تفریح و تفریح با پایبهای مانده و رنگهای زرد شده و لبهای کمال پس میگردند دیگر درس خود را با نشاط و دقت تعقیب کرده نمیتوانند، این چنین اطفال از بسکه با افراط حرکات بدنی عضویت خود را تخریب کرده تنبل شده اند چونکه از حد معقول زیاده تر ماندگی دیده اند.

۴- بعضی دواهای مقوی که از طرف دو قوتورهای کار آگاه و توصیه انتخاب شده باشد دادن و یا تدابیر صحیه اتخاذ نمودن.

در اینجا دو قوتور مولف اول تراز همه مشروبات کتولیه و یا مزوجات الکی احتراز کردن را توصیه نموده گوید که: - ترتیب مقویات، ماساژ، دوش، فربک سیون، انتریکسیون، آفتاب دادن، برق دادن و امثال آن تدابیر صحیه و فنی را در تقویت بدن ترجیح باید داد و برین وجه بسا از امراض عصبیه و ارادی را توسط این تدابیر رفع کردن میخواهد.

اما از یکطرف این تدابیر های صحیه را مناسب دانسته و این عوامل صحیه را ترویج میکند ولی از طرف دیگر اطفال تنبلی را اکثریه مریض نمی شمارد رفع عوارض را عوض اینکه از دو قوتورها توقع بکنند این عوارض را یک مسئله تریه و اخلاق تلقی نموده در مقابل این حادثه و عارضه ها گوید که متخصص تریه و اخلاق را باید بدست آورده تنبل را باو محول نمود.

در اطاق درس هر طفل باید بداند که از افعال خود مسئول است و علاوه بر آن بفهمد که در صورت مساعدت طبیعت و امکان شاگرد بکه کوشش نکرده بهمه حال بنوعی از جزا معروض میباید طبیعی است که این معامله تربیه است که عدالت ایجاب نموده و بفائده طفل تعلق دارد .

آری عدالتی که در مکتب ها تطبیق میشود مثل عدالت محاکم نیست لیکن یکی از غایب هائیکه در تربیه بنظر گرفته میشود فکر حق ووظیفه را با کمال اطمینان حاصل کردن میباشد .

در تمام مسائل تربیه و تدریس بالخاصه در اقسام تربیه اخلاقی مکتب را باعائله تشریک مساعی کرده ابوین را با معلم در تحت یک مقررات رفتار نمودن ضرور است .

امامع الاسف این نکته مهمی گذاشته شده بسا اوقات طفل در یک دست خود اگر توشک داشته باشد - و در دست دیگر کتابهای خود را گرفته از مکتب خارج گردیده بخانه خود عوت میکند ؛ معلم و یامد بر قبل از اخراج شاگرد را جمع بحركات آن از خانه و عائله طفل بر سان نکرده و با ایشان راجع بافعال طفل خبر دار نموده و بخاطرش هم نرین باب فکری گذشته نمیباشد . اساساً ابوین اطفال نیز نه از جهت مفاهمه بلکه از جهت گفتگو و برخاش رجوع نمایند . اگر چه در بعضی محال یک مقارنت مکتبی موجود ست ولی برای تماس ابوین بدرجه کافی نمیباشد .

خاصاً در مسائل قابل توجه میان مکتب و عائله تعاطی افکار لازم است در مساعی شاگرد مفاهمه کردن مکتب باعائله هم برای طفل مفید است و هم موجب بیداری



مجسمه بزرگ بامیان - فوتو گراف است

ابوبن شده یکی در چاره های مهم رفع تنبلی شمرده می شود .  
 علاوه بر درس معلم و اصول تدریس آن تدقیق احوال ، اوضاع ، حرکات شاگرد  
 و تدابیر اخلاقی نیز در سنجیه و قابلیت طفل ها انطباعات خیلی مهم ابراث میکند .  
 با لخاصه و سائعات شویق و اصول مکافات و مجازات به تنبلی اطفال علاقه  
 واضحی دارد .

